گزارش

بعد از پایان دور هفتم گفت‌وگوهای وین

روسیه، همچنان میان‌دار مذاکرات احیای برجام

● **شرق:** نارضایتی‌ها، ابراز نگرانی‌ها و تأکید بر فاصله‌ها و اختلافات ترجیع‌بند موضع‌گیری‌های طرف‌های مختلف گفت‌وگوهای احیای برجام در وین بوده‌اند و گامی که در پایان دور هفتم با دستیابی به متن جدید حاصل شد، در کنار پذیرش نصب دوربین‌های جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سایت کرج توسط ایران، تنها از شدت این موضع‌گیری‌ها کاسته است اما روسیه با پرچم‌داری میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین و رئیس هیئت روسی حاضر در وین همچنان در جایگاه میان‌دار به تأکید بر خوش‌بینی و وجود راه عبور از اختلافات و دستیابی به نتیجه تأکید دارد. این در حالی است که طرف‌های ایرانی، آمریکایی و اروپایی همچنان با احتیاط مواضع خود را تکرار می‌کنند و چین نیز عمدتا سکوت اختیار کرده است.

در تازه‌ترین موضع‌گیری این کشور، وزارت امور خارجه روسیه در بیانیه‌ای ابراز امیدواری کرد که دور بعدی مذاکرات وین به حصول توافق منجر شود. به گزارش ایسنا به نقل از اسپوتنیک، وزارت امور خارجه روسیه در این بیانیه تأکید کرد مسکو انتظار دارد که دور هشتم گفت‌وگوها درخصوص بازگرداندن برجام بتواند به حصول یک توافق سریع و مورد قبول طرفین منجر شود؛ چراکه تمام طرف‌های مذاکره‌کننده آمادگی لازم برای به‌کارگیری تمام تلاش خود را نشان داده‌اند. وزارت امور خارجه روسیه در بیانیه خود آورده است که در ۱۷ دسامبر (۲۶ آذرماه) کمیسیون مشترک برجام به دور هفتم مذاکرات وین برای احیای اجرای کامل «توافق هسته‌ای» پایان دادند. در ادامه این بیانیه با تأکید بر اینکه «تاکنون پیشرفت‌های مهمی در رایزنی‌ها مشاهده شده» آمده است: «این فهم مشترک در میان مذاکره‌کنندگان وجود دارد که رایزنی‌ها در آینده نزدیک از سر گرفته شود. تمامی طرف‌ها آمادگی خود را برای به‌کارگیری تمام تلاش‌شان به منظور رسیدن به یک توافق مورد قبول طرف‌ها در مدت‌زمانی کوتاه، در جریان دور آتی مذاکرات ابراز کرده‌اند». وزارت خارجه روسیه همچنین در این بیانیه افزود: «مسائل سیاسی دشوار زیادی کماکان باقی مانده است اما تمام طرف‌های مذاکره‌کننده عزم خود را برای تلاش در جهت عمل به وظیفه مشترک خود، یعنی بازگرداندن برجام به چارچوب مورد توافق اولیه نشان داده‌اند». آناتولی آنتونوف، سفیر روسیه در آمریکا نیز در بخشی از یک گفت‌وگو با مجله نیوزویک گفت: «ما با این تصور پیش می‌رویم که دیپلماسی تنها راه حل‌وفصل مسئله هسته‌ای ایران است. برجام [توافق هسته‌ای] از زمان انعقاد آن، کارآمدی‌اش را با تضمین شفافیت برنامه هسته‌ای ایران ثابت کرده است». آنتونوف ادامه داد: «ما بر این عقیده‌ایم که نه ایران و نه آمریکا تمایلی به گسترش تنش‌ها ندارند. بنابراین، ما از تمامی طرفین می‌خواهیم حداکثر انعطاف را نشان داده و به پیداکردن راهکارهای مورد قبول هر دو طرف برای احیای هرچه سریع‌تر برجام کمک کنند».

اما اولیانوف خود نیز در گفت‌وگویی با خبرگزاری روس رویکرد امیدوارانه روسیه را تبیین کرد. او درباره نتایج دور هفتم مذاکرات وین اظهار کرد: «شرکت‌کنندگان در این گفت‌وگوها راه را برای ویرایش اسناد موجود باز کرده‌اند. اکنون مسیر برای ویرایش سندهایی که روی میز مذاکره وجود دارد، مشخص است». اولیانوف تأکید کرد که این، اصلی‌ترین نتیجه این دور از مذاکرات است. وی ادامه داد: «شرکت‌کنندگان در مذاکرات تا حدی به یکدیگر عادت کرده‌اند. من فکر می‌کنم که ما و طرف‌های غربی شروع به درک بهتری از این کرده‌ایم که گام‌های درست بعدی کدام است». این دیپلمات روس تصریح کرد: «هیئت روسی دشواری‌های مذاکرات را درک کرده و نتیجه مذاکرات تا به امروز انتظارات طرف روسی را برآورده کرده است. نکته اصلی این است که هیچ‌کس به دنبال تخریب شش دور قبلی رایزنی‌ها نبود». نماینده روسیه در مذاکرات وین همچنین گفت: «سایر شرکت‌کنندگان در این مذاکرات رویکرد محترمانه‌ای نسبت به عناصر جدید در موضع ایران از خود نشان دادند. این، بسیار مهم بود و ما به آن دست یافتیم. سایر طرف‌های مذاکره‌کننده در وین، ازجمله اروپایی‌ها پس از یک کشمکش طولانی، بسیاری از اصلاحات در ارتباط با موضوعات هسته‌ای را که طرف ایرانی پیشنهاد داده بود، پذیرفته‌اند». نماینده روسیه در وین درباره همکاری مسکو و واشنگتن در مذاکرات وین تصریح کرد: «همکاری بین هیئت‌های روسی و آمریکایی عمل‌گرایانه و بر مبنای منافع دو کشور است». وی افزود: «من به‌عنوان سرپرست هیئت روسی از سطح کیفیت همکاری با رابرت مالی نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران که ریاست هیئت آمریکایی در این رایزنی‌ها را برعهده دارد، رضایت دارم». اولیانوف در ادامه تلاش‌های دو کشور در این دور از گفت‌وگوها را امیدوارکننده توصیف کرد؛ چراکه از نظر او این تلاش‌ها سبب شد تا در دور هفتم مذاکرات به پیشرفت‌های جدی برسند. وی خاطرنشان کرد: «همکاری ما کاملا عملی است. روسیه و ایالات متحده علاقه‌مند به احیای برجام و لغو تحریم‌های اعمال‌شده در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ هستند. این مبنایی است که می‌توانیم براساس‌آن همکاری کنیم. امیدوارم که این همکاری‌ها ادامه یابد».

تأملی بر نخستین نشست همکاری‌های منطقه‌ای ۳+۳ قفقاز بدون حضور گرجستان

قفقاز و تکرار تجربه آلمان و فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم

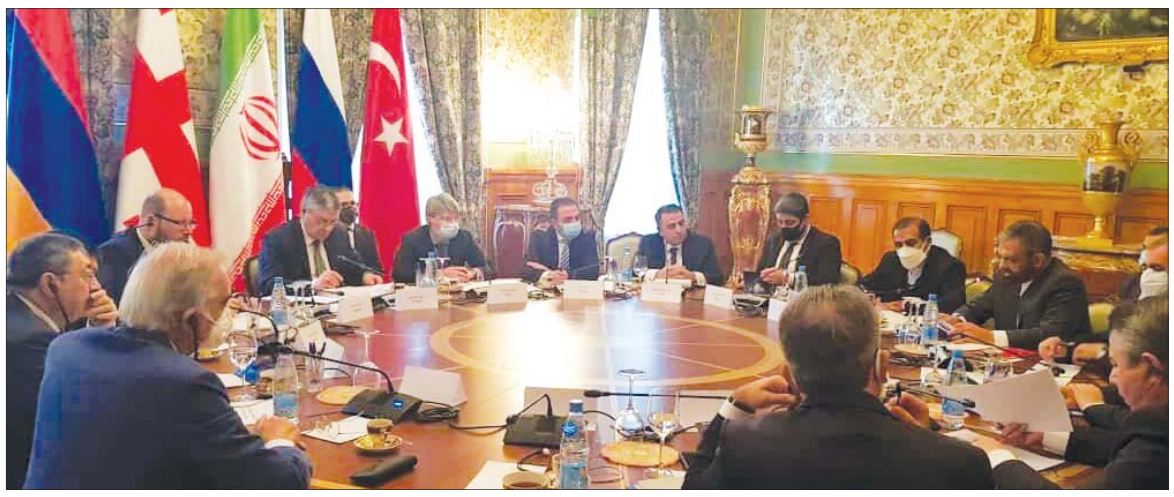

ولی کالجی*

درحالی‌که بعد از خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق‌نامه برجام در ۸ می ۲۰۱۸ میلادی، ترکیب ۵+۱ در مذاکرات هسته‌ای با ایران تبدیل به ۴+۱ شد و با همین ترکیب نیز هم‌اکنون مذاکرات هسته‌ای در وین در حال برگزاری است، عدم شرکت گرجستان در نخستین نشست همکاری‌های منطقه‌ای موسوم به فرمت ۳+۳ متشکل از سه کشور قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و سه کشور همسایه با این منطقه (روسیه، ترکیه و ایران) موجب شد این نشست عملا در قالب ۳+۲ و در سطح معاونان وزرای خارجه این کشورها در مسکو در روز جمعه ۹ دسامبر ۲۰۲۱ میلادی (۱۹ آذر ۱۴۰۰) برگزار شود. هرچند پرچم گرجستان در کنار پرچم‌های روسیه، ایران، ارمنستان، جمهوری آذربایجان و ترکیه در این نشست قرار داشت که نشانه‌ای از تمایل کشورهای حاضر برای شرکت گرجستان در دوره‌های بعدی مذاکرات بود. چنانچه در بیانیه پایانی این نشست نیز طرف‌های شرکت‌کننده ابراز علاقه‌مندی کردند که طرف گرجستانی که نمایندگان آن از حضور در نخستین نشست خودداری کردند، نیز در این مذاکرات مشارکت داشته باشد و درها به روی مقامات تفلیس همچنان باز خواهد بود. نماینده ایران در این نشست، «علیرضا حقیقیان» دستیار وزیر و مدیرکل اوراسیای وزارت امور خارجه بود که در سخنان خود ضمن حمایت از همکاری‌ها در قالب این فرمت، بر لزوم احترام به تمامیت ارضی کشورها و اجتناب از هرگونه تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه تأکید کرد.

مخالفان پیشنهاد تهران و آنکارا

اگر کمی به عقب برگردیم، در جریان جنگ دوم قره‌باغ در سال گذشته، ایران «فرمت همکاری‌های منطقه‌ای ۳+۳» را با مشارکت سه کشور قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و سه کشور همسایه با این منطقه (روسیه، ترکیه و ایران) پیشنهاد داد که این پیشنهاد در سفرهای دوره‌ای سیدعباس عراقچی و محمدجواد ظریف به کشورهای منطقه با رهبران این کشورها در میان گذاشته شد. به موازات پیشنهاد ایران، پیشنهاد دیگری نیز از سوی رجب طیب اردوغان مطرح شد که «پلتفرم همکاری‌های منطقه‌ای شش کشور» را با مشارکت شش کشور ایران، ترکیه، روسیه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان مطرح می‌کرد که حداقل در شکل و فرمت همکاری‌های منطقه‌ای در قفقاز تفاوت چندان زیادی با فرمت پیشنهادی ۳+۳ از سوی ایران نداشت. درحالی‌که این پیشنهادهای تهران و آنکارا با استقبال جمهوری آذربایجان و روسیه مواجه شد، اما این پیشنهاد دو مخالف «صریح» و «ضمنی» نیز داشت.

«مخالف صریح» گرجستان بود که به دلیل آنچه اشغال مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی از سوی فدراسیون روسیه در جنگ سال ۲۰۰۸ میلادی می‌نامید، اعلام کرد که از مشارکت در هر طرح منطقه‌ای در منطقه قفقاز با مشارکت مسکو خودداری خواهد کرد. مذاکرات متعدد مقامات ایران و ترکیه با مقامات گرجی در یک سال گذشته نیز نتیجه‌ای در بر نداشت. در آخرین موضع‌گیری نیز «دیوید زالکالیانی» وزیر امور خارجه و معاون نخست‌وزیر گرجستان در ۲۸ آبان ۱۴۰۰ اظهار کرد که «تفلیس قصدی برای شرکت در مذاکرات ۳+۳ (با شرکت جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، روسیه، ترکیه و ایران) درباره موضوع رفع موانع روابط اقتصادی و حمل‌ونقل در منطقه قفقاز جنوبی ندارد». به‌همین‌دلیل، چنانچه اشاره شد در نخستین نشست فرمت ۳+۳ در قفقاز که در روز جمعه ۹ دسامبر ۲۰۲۱ میلادی (۱۹ آذر ۱۴۰۰) در مسکو برگزار شد، گرجستان غایب این نشست بود.

اما «مخالف ضمنی» فرمت ۳+۳، ارمنستان است که ملاحظات خاص خود را دارد. در جریان جنگ دوم قره‌باغ که به شکست نظامی ارمنستان و بازگشت هفت منطقه پیرامونی قره‌باغ به حاکمیت جمهوری آذربایجان منتهی شد، فضای سیاسی و روانی حاکم بر جامعه ارمنستان اساسا آمادگی پذیرش چنین پیشنهادهایی را نداشت و به دلیل حمایت سیاسی ایران و نیز حمایت سیاسی- نظامی ترکیه از جمهوری آذربایجان در جریان جنگ، ارمنستان چنین پیشنهادهایی را بیشتر به نفع طرف پیروز جنگ یعنی باکو می‌دانست و به‌ویژه نسبت به «پلتفرم همکاری‌های منطقه‌ای شش کشور» که از سوی رجب طیب اردوغان مطرح شده بود، با شک و بدبینی می‌نگریست. اما با گذشت زمان و به‌ویژه پس از پیروزی مجدد نیکول پاشینیان در انتخابات پارلمانی ۲۰ ژوئن ۲۰۲۱ میلادی (۳۰ خرداد ۱۴۰۰) که باعث افزایش اعتمادبه‌نفس او شد، به‌تدریج ملاحظات ارمنستان در رابطه با پیشنهادهای همکاری‌های منطقه‌ای در قفقاز نیز روشن‌تر شد. چنان‌که نیکول پاشینیان در جریان یک سخنرانی در ۷ نوامبر ۲۰۲۱ میلادی (۱۶ آبان ۱۴۰۰) اعلام کرد که «مسائل حل‌وفصل قره‌باغ یا بازکردن ارتباطات حمل‌ونقل منطقه‌ای نباید در قالب احتمالی ۳+۳ مورد بحث قرار گیرد. دولت ارمنستان همکاری‌های منطقه‌ای را به‌عنوان یک تمهید مهم در برنامه خود گنجانده است و به همه امکانات تعامل در منطقه نیز علاقه‌مند است. مشکل در تفاوت‌های ظریف این راه‌حل‌هاست. موضع ما این است که فرمت ۳+۳ نباید در دستور کار خود موضوعاتی را که قبلا در قالب‌های دیگر مورد بحث قرار گرفته است، بگنجاند. به‌ویژه، گشایش ارتباطات منطقه‌ای، حل‌وفصل منطقه قره‌باغ کوهستانی و... نباید در این فرمت قرار بگیرد؛ یعنی اگر این قالب یک دستور کار جدید و قابل قبول دوجانبه را به همراه داشته باشد، مثلا ترانزیت اقتصادی منطقه‌ای، ممکن است جالب باشد، و ما ممکن است به این موضوع علاقه‌مند باشیم. همان‌طور که ممکن است فرمت «۳+۳» تنها قالب مورد علاقه ما نباشد و ما این موضع را پیش از این ابراز کرده‌ایم».

از لحن کلام پاشینیان این‌گونه برمی‌آید که ارمنستان مایل نیست در مسائلی مانند کریدور زنگه‌زور مدنظر جمهوری آذربایجان و حل‌وفصل منطقه قره‌باغ کوهستانی که وضعیت حقوقی آن در موافقت‌نامه آتش‌بس سال گذشته مبهم باقی مانده است، کشورهای دیگری مانند ایران و ترکیه مشارکت داشته باشند و ازاین‌رو این کشور ترجیح می‌دهد این مسائل نه در فرمت ۳+۳ بلکه در چارچوب مذاکرات سه‌جانبه ارمنستان، جمهوری آذربایجان و روسیه یا در ترکیب گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا (ارمنستان و جمهوری آذربایجان با فرانسه، روسیه و آمریکا) دنبال شود. بنابراین به نظر می‌رسد ارمنستان با چنین ملاحظاتی در نخستین نشست ۳+۳ در مسکو حاضر شده است و درصدد بود تا از نزدیک فضای حاکم بر این گفت‌وگوها را رصد کند و به جمع‌بندی دقیق‌تری از سمت و سو و اهداف فرمت ۳+۳ برسد.

راه برای بازگشت گرجستان باز ماند

با وجود همه ملاحظاتی که به آن اشاره شد، در رابطه با نخستین نشست همکاری‌های منطقه‌ای موسوم به فرمت ۳+۳ در مسکو، چند نکته بسیار مهم شایان توجه است:

۱ نشست همکاری‌های منطقه‌ای موسوم به فرمت ۳+۳ در مسکو نخستین نشست مشترک پنج کشور ایران، روسیه، ترکیه و جمهوری آذربایجان با محوریت همکاری‌های منطقه‌ای در قفقاز است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شده است و از این نظر بسیار حائز اهمیت است. طی سه دهه گذشته پیشنهادهای مختلفی مانند «ابتکار قفقاز صلح‌خواه» از سوی ادوارد شواردنادزه، رئیس‌جمهور سابق گرجستان، «پیمان ثبات برای قفقاز» از سوی سلیمان دمیرل، رئیس‌جمهور سابق ترکیه، «پلتفرم همکاری و ثبات قفقاز» از سوی رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر وقت ترکیه در سال ۲۰۰۸ و «قفقاز یکپارچه» از سوی میخائیل ساکاشویلی، رئیس‌جمهور سابق گرجستان مطرح شد اما هیچ‌یک از آنها به واسطه اختلافات موجود در منطقه از جمله قطع روابط دیپلماتیک میان ارمنستان با جمهوری آذربایجان و ترکیه و نیز گرجستان با روسیه به نتیجه عملی نرسید و حتی هیچ نشستی هم در قالب فرمت‌های پیشنهادشده برگزار نشد. بنابراین از این جهت، برگزاری نشست همکاری‌های منطقه‌ای موسوم به فرمت ۳+۳ در مسکو نخستین نشست مشترکی است که پس از فروپاشی شوروی و خارج از فرمت سه‌جانبه ارمنستان، جمهوری آذربایجان و روسیه یا در ترکیب گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا (ارمنستان و جمهوری آذربایجان با فرانسه، روسیه و آمریکا)، با دستور کار همکاری‌های منطقه‌ای در قفقاز برگزار می‌شود. هرچند به این نکته بسیار مهم باید توجه داشت که نقطه ضعف تمامی طرح‌های پیشنهادی برای همکاری‌های منطقه‌ای در قفقاز که به آن اشاره شد، «فقدان دستور کار و محورهای مشخص برای همکاری» بود. به عبارتی دیگر این طرح‌ها تنها در سطح «کلیات» مطرح شده بودند و به‌همین‌دلیل نیز به نتیجه نرسید. بنابراین راه جلوگیری از دچارشدن فرمت ۳+۳ به سرنوشت طرح‌های قبلی، تعریف «دستور کارهای مشخص با قابلیت اجرا و عملیاتی‌سازی» در محیط و فضای منطقه قفقاز است.

ارمنستان و جمهوری آذربایجان پس از جنگ دوم قره‌باغ در شرایطی قرار گرفته‌اند که بسیار شبیه آلمان و فرانسه پس از جنگ جهانی دوم است. پاریس و برلین پس از تجربه تلخ و بسیار پرهزینه جنگ جهانی دوم، همکاری‌های خود را در قالب «جامعه زغال سنگ و فولاد» شروع کردند که بعدها در قالب «جامعه اقتصادی اروپا» یا «بازار مشترک اروپا» دنبال شد و پس از پایان جنگ سرد به تشکیل «اتحادیه اروپا» انجامید

۲ اقدام خوب، مثبت و عمل‌گرایانه‌ای که در نشست ۳+۳ در مسکو صورت گرفت، معطل‌نشدن بیشتر برای حضور و مشارکت گرجستان بود. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، مذاکرات متعدد مقامات ایران و ترکیه در یک سال گذشته برای مشارکت گرجستان در فرمت ۳+۳ یا همکاری‌های شش‌جانبه مؤثر واقع نشد بنابراین کشورهای ایران، روسیه، ترکیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان تصمیم گرفتند در قالب ۳+۲ گفت‌وگوها را آغاز کنند و از طرفی دیگر راه را نیز برای ورود و مشارکت گرجی‌ها باز نگه دارند. این احتمال وجود دارد که گرجی‌ها با مشاهده تداوم گفت‌وگوهای این پنج کشور و نیز مشاهده نتایج عملی فرمت ۳+۳ در آینده به آن ملحق شوند. شاید بتوان از این منظر گرجستان در قفقاز را با ازبکستان در آسیای مرکزی مقایسه کرد. زمانی که «گروه شانگهای پنج» در سال ۱۹۹۶ با مشارکت پنج کشور روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان تشکیل شد، ازبکستان به واسطه اختلافاتی که با تاجیکستان و نیز روسیه داشت، از مشارکت در این فرمت منطقه‌ای نوظهور در آسیای مرکزی خودداری کرد. اما این کشور پس از گذشت چهار سال و با مشاهده نتایج و موفقیت‌های «گروه شانگهای پنج» به‌ویژه در حل‌وفصل اختلافات مرزی، در سال ۲۰۰۰ به این جمع پیوست و متعاقب آن «گروه شانگهای پنج» در سال ۲۰۰۱ به «سازمان همکاری شانگهای» تبدیل شد که امروزه یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین سازمان‌های منطقه‌ای در فضای اوراسیا به شمار می‌رود. بنابراین درمورد مشارکت گرجستان در فرمت ۳+۳ در قفقاز نیز نباید عجله کرد و باید با صبوری و حوصله به این کشور فرصت و زمان داد تا به این نتیجه برسد که عدم مشارکتش در این جمع منطقه‌ای به ضرر منافع ملت گرجستان است. یکی از مواردی که می‌تواند گرجی‌ها را به چنین نتیجه‌ای برساند، احیای راه‌آهن دوره شوروی در جنوب منطقه قفقاز است که در دستور کار کشورهای منطقه ازجمله ایران قرار دارد. اگر این مسیر ریلی از جلفا در ایران به منطقه برونگان نخجوان جمهوری آذربایجان و از آنجا به ایروان ارمنستان و تفلیس گرجستان وصل شود، امکان ارتباط ریلی گرجی‌ها با ایران فراهم خواهد شد که نقش مهمی در افزایش حجم ترانزیت و صادرات و واردات به‌ویژه در چارچوب کریدور خلیج فارس- دریای سیاه خواهد داشت.

همکاری منطقه‌ای غیرواقعی نیست

۳ شاید با توجه به تنش‌ها و اختلافات موجود در منطقه قفقاز به‌ویژه وقوع دو جنگ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه ناگورنو- قره‌باغ، قطع روابط دیپلماتیک بین ارمنستان با جمهوری آذربایجان و ترکیه و نیز گرجستان با روسیه، صحبت از همکاری‌های منطقه‌ای در قفقاز، خوش‌بینانه و غیرواقعی به نظر می‌رسد؛ اما واقعیت امر این‌گونه نیست و در سه دهه گذشته «عدم روابط به معنی عدم ارتباط و مذاکره» بین این کشورها نبوده است. رؤسای جمهور، نخست‌وزیران و دیگر مقامات ارشد ارمنستان و جمهوری آذربایجان در سه دهه اخیر بارها با یکدیگر به صورت دوجانبه یا چندجانبه دیدار داشته‌اند؛ بنابراین حضور نمایندگان این دو کشور در نخستین نشست همکاری‌های منطقه‌ای موسوم به فرمت ۳+۳ موضوع جدید و تعجب‌آوری نیست. رهبران و مقامات ارمنستان و ترکیه هم در سه دهه گذشته با وجود قطع روابط دیپلماتیک در موضوعات مختلف با یکدیگر دیدار داشته‌اند که نقطه اوج آن «دیپلماسی فوتبال» بین دو کشور در جریان سفر عبدالله گل، رئیس‌جمهور وقت ترکیه به ایروان و سفر سرژ سارگسیان، رئیس‌جمهور وقت ارمنستان، به بورسا در سال ۲۰۰۹ بود که در چارچوب مذاکرات ژنو برای عادی‌سازی مناسبات دو کشور صورت گرفت؛ هرچند این دیدارها و تلاش‌ها به نتیجه مشخصی نرسید. علاوه بر این در سایر موضوعات فنی و تخصصی ازجمله همکاری‌های آبی در حوزه رود ارس همواره نشست‌ها و کمیسیون‌هایی بین نمایندگان و مقامات ارمنستان و ترکیه در چند دهه گذشته برگزار شده است. حتی روابط روسیه و گرجستان نیز که پس از جنگ آگوست ۲۰۰۸ در مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی قطع شده است، منجر به قطع کامل مذاکرات و گفت‌وگوها بین دو کشور نشده است و دو کشور پس از کناررفتن میخائیل ساکاشویلی از قدرت در سال ۲۰۱۳ میلادی، گفت‌وگوهای منظمی را هر شش ماه یک بار در پراگ جمهوری چک در قالب فرمت «کاراسین- آپاشیدزده» (معاونان وقت وزارت‌خارجه‌های روسیه و گرجستان) برگزار می‌کنند که به جز دو موضوع آبخازیا و اوستیای جنوبی، سایر موضوعات مانند همکاری‌های اقتصادی و تجاری، مهاجرت و مسائل کنسولی و مواردی از این دست در آن مورد گفت‌وگو قرار می‌گیرد. به همین دلیل نگارنده در یک سال گذشته در جلسات مختلف با کارشناسان و نخبگان گرجستان، با اشاره به همین سوابق این نکته را به آنها یادآور شده است که اگر شما می‌توانید در قالب فرمت «کاراسین- آپاشیدزده» با روس‌ها به گفت‌وگو بنشینید، قطعا می‌توانید در قالب فرمت «۳+۳» نیز با آنها دور یک میز بنشینید. اگر در فرمت «کاراسین- آپاشیدزده» موضوع آبخازیا و اوستیای جنوبی به‌عنوان «خط قرمز» گرجستان مطرح نشده است، در فرمت «۳+۳» نیز می‌تواند به همین ترتیب عمل شود و تفلیس می‌تواند با این «حق شرط» یا «حق تحفظ» به جمع همکاری‌های منطقه‌ای در قفقاز بپیوندد.

یک تجربه تاریخی جهانی

۴ به باور نگارنده ارمنستان و جمهوری آذربایجان پس از جنگ دوم قره‌باغ در شرایطی قرار گرفته‌اند که بسیار شبیه آلمان و فرانسه پس از جنگ جهانی دوم است. پاریس و برلین پس از تجربه تلخ و بسیار پرهزینه جنگ جهانی دوم، همکاری‌های خود را در قالب «جامعه زغال سنگ و فولاد» شروع کردند که بعدها در قالب «جامعه اقتصادی اروپا» یا «بازار مشترک اروپا» دنبال شد و پس از پایان جنگ سرد به تشکیل «اتحادیه اروپا» انجامید؛ بنابراین نقطه شروع همکاری‌ها در اروپای پس از جنگ، حوزه‌های «غیرسیاسی و فنی» بود؛ بنابراین همین تجربه و مسیر را می‌توان در قفقاز پس از جنگ دوم قره‌باغ با حوصله، صبوری و برنامه‌ریزی دنبال کرد. در این راستا، دو موضوع «کریدورهای ارتباطی به‌ویژه احیای راه‌آهن دوره شوروی در جنوب قفقاز» و «منابع آبی حوزه کورا- ارس» می‌توانند همان نقشی را در نزدیک‌ساختن کشورهای منطقه قفقاز و همسایگان آن ایفا کنند که «زغال سنگ و فولاد» بین آلمان و فرانسه پس از جنگ جهانی دوم ایفا کرد؛ بنابراین در قالب فرمت ۳+۳ نباید رویکردی آرمان‌گرایانه به منطقه قفقاز داشت. اختلافات و تنش‌ها یک واقعیت است و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت؛ بنابراین باید از جایی و نقطه‌ای شروع کرد که حساسیت‌های سیاسی کمتر است و همه کشورهای منطقه از منافع آن برخوردار می‌شوند. احیای راه‌آهن جنوب قفقاز نمونه بارز این رویکرد واقع‌بینانه است که از نتایج آن هر شش کشور ایران، جمهوری آذربایجان، روسیه، ارمنستان، گرجستان و ترکیه بهره‌مند خواهند شد و همین امر می‌تواند منطقه را یک گام دیگر به هم نزدیک‌تر کند و زمینه‌ساز همکاری‌ها در سایر حوزه‌ها شود.

۵ چنان‌که اشاره شد، «فرمت همکاری‌های منطقه‌ای ۳+۳» با مشارکت سه کشور قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و سه کشور همسایه با این منطقه (روسیه، ترکیه و ایران) در سفرهای دوره‌ای سال گذشته سیدعباس عراقچی و محمدجواد ظریف به کشورهای منطقه با رهبران این کشورها در میان گذاشته شد؛ ازاین‌رو ادامه این سیاست در دولت جدید ایران و وزارت امور خارجه تحت مدیریت حسین امیرعبداللهیان، اقدامی مثبت و ارزشمند است که نشان می‌دهد سیاست خارجی ایران در منطقه قفقاز و برنامه‌های پیشنهادی برای همکاری‌های منطقه‌ای از یک خط سیر ممتد و باثبات پیروی می‌کند. به‌ویژه آنکه ایران برای پیگیری و به‌نتیجه‌رساندن فرمت ۳+۳ در منطقه قفقاز از ظرفیت بسیار خوبی برخوردار است. از بین سه کشور همسایه منطقه قفقاز یعنی ایران، روسیه و گرجستان، تنها ایران است که با هر سه یعنی ارمنستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان روابط دیپلماتیک دارد، چراکه روابط ارمنستان و ترکیه از سال ۱۹۹۳ و روابط گرجستان و روسیه نیز از سال ۲۰۰۸ قطع است. همچنین ایران تنها کشوری است که با هر دو بخش جمهوری آذربایجان یعنی سرزمین اصلی این کشور و منطقه برونگان نخجوان همسایه است. با چنین ظرفیتی است که ایران می‌تواند میزبانی نشست‌های ۳+۳ را برعهده بگیرد و همه نمایندگان شش کشور دور یک میز بنشینند تا فرمت ۳+۲ مسکو تبدیل به فرمت ۳+۳ شود و مسیر جدیدی را ایجاد کند تا به این دور باطل نفرت، خشونت و جنگ در منطقه قفقاز که نتیجه‌ای جز ویرانی، آوارگی و ازبین‌رفتن هزاران انسان به‌ویژه غیرنظامیان نداشته است، پایان داده شود.

* دکترای مطالعات منطقه‌ای از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

ادامه از صفحه اول

برکناری یک امام‌جمعه و چند نکته

با این حساب رویکرد مولوی گرگیج، با وجود عذرخواهی بعدی او نیازمند بررسی انتقادی است هرچند نباید در نقد چنان پیش رفت که این بار طرفداران مولوی گرگیج تحریک شوند و اتفاقات به شکلی دیگر روی دهد.۲- در توضیحات مولوی گرگیج اشاره‌ای شده بود که در ایام فاطمیه برخی سخنان تفرقه‌افکن گفته شده که گویی سخنان مولوی گرگیج در واکنش به آن صورت گرفته است؛ یعنی ایشان خواسته‌اند تا پاسخی به سخنان تفرقه‌افکنانه داده باشند. اگر این توضیح درست باشد نیز باید مولوی گرگیج دقت می‌کرد تا پاسخ و توضیحاتش موجب تحریک علاقه‌مندان به ائمه و اهل بیت نشود. سوی دیگر ماجرا نیز هشدار و انذار به مسئولان کشوری به‌ویژه صاحبان تریبون‌هاست که در ایام مذهبی و به‌ویژه در ایام فاطمیه مراقبت شود تا سخنان یا مطالب یا تبلیغاتی صورت نگیرد که موجب جریحه‌دارشدن احساسات دیگر فرقه‌های اسلامی ازجمله اهل سنت ایران شود. پخش برخی برنامه‌های مذهبی یا مداحی‌ها در حوزه عمومی یا در محافل حتی بسته به‌سرعت در فضای مجازی بازنشر می‌شود و ممکن است به واکنش دیگران منجر شده و به این ترتیب به مسئله‌ای بحران‌زا بدل شود. برخورد با این تریبون‌های همبستگی‌ستیز و وحدت‌شکن هم ضروری است. ۳- سرعت برخورد با امام‌جمعه اهل سنت آزادشهر و برکناری او می‌تواند نشانه‌ای از لزوم توجه جدی‌تر به نظارت بر تریبون‌های نمازجمعه باشد. هر جمعه صدها نمازجمعه در کشور برگزار می‌شود و نظارت مبتنی بر قانون بر این تریبون‌ها و ائمه جماعات و جمعه می‌تواند به منع ائمه جمعه و جماعات در ورود به سخنان تفرقه‌انگیز کمک کند و این مهم نیازمند قانون‌گذاری روشنی است تا هم وظایف ائمه جمعه و جماعات و هم ابعاد نظارت روشن شود و هم اینکه روش‌های نظارت و در صورت نیاز اجرای قانون روشن شود. در غیر این صورت باز شاهد گاه و بی‌گاه سخنان حساسیت‌زا در تریبون‌های رسمی خواهیم بود. اگر سرعت عمل و واکنش‌های فراوان به سخنان مولوی گرگیج برای هر نوع عمل وحدت‌ستیز و حساسیت‌برانگیز رعایت شود و فرقی بین خطاهای احتمالی از تریبون‌های مختلف نباشد و هر روحانی یا مداح یا حتی رسانه‌های بزرگ کشوری مکلف شوند نسبت به احترام حقوق سایر فرقه‌های مذهبی در کشور با حساسیت عمل کنند، فرقی میان حساسیت‌ها، خواه در میان مسلمانان شیعه یا سُنی یا حتی دیگر ادیان در کشور نباشد، می‌توان گفت به سوی رعایت واقعی وحدت در کشور رهسپاریم.

فرصت‌ها و تهدیدها

محمدامین رسول‌زاده، بنیان‌گذار جمهوری باکو، در پاسخ به اعتراض اندیشمندان ایرانی ازجمله علامه دهخدا و ملک‌الشعرای بهار به ربودن نام آذربایجان توسط باکو، در مقاله‌ای با عنوان آذربایجان و ایران نوشته است: «از ما چرا ظنین هستید؟ باید تصور کنیم که چنین گمان کرده‌اند که از گرفتن نام آذربایجان که اسم یک ولایت ایران است به مسمای آن نیز چشم داریم. جمهوری ما قبل از جمهوریت، مکرر و به دفعات این معنی را اعلام کرد که دعوی مختاریت آذربایجان به‌هیچ‌وجه به جنوب ارس راجع نیست. باز بالفعل هم این را اثبات می‌کنیم». اما «بارتولد» نوشته است: «نام آذربایجان برای جمهوری آذربایجان از آن جهت انتخاب شد که گمان می‌رفت با برقراری جمهوری آذربایجان؛ آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان یکی شوند». رویدادهای ۱۰۳ سال پس از این نام‌گذاری و به‌ویژه ۳۰ سال اخیر پس از استقلال از شوروی اثبات کرده که نام‌گذاری جمهوری شمال ارس، به تهدیدی مستقیم علیه تمامیت سرزمینی ایران در آذربایجان واقعی تبدیل شده است. در سال ۱۹۹۱ دولت رفسنجانی در اقدامی شتاب‌زده و غیرآینده‌نگرانه، با تصور تشویق روابط مسلمانانه، استقلال کشوری را با نام آذربایجان در کنار آذربایجان ایران و بدون کمترین الزام به تغییر نام، به رسمیت شناخت، درحالی‌که این جمهوری، با تکیه به همین نام، امروز به تهدید مستقیم تمامیت سرزمینی ایران تبدیل شده و آذربایجان راستین تاریخی و تبریز را متعلق به باکو و اشغال‌شده توسط ایران معرفی می‌کند! در همین راستا محتوای کتاب‌های درسی جمهوری باکو پر شده است از تحریف‌های شگفت‌آور ضدتاریخی. روی جلد کتاب تاریخ کلاس پنجم دبستان جمهوری باکو به نام آتا یوردو (سرزمین پدری)، نقشه آذربایجان ایران، به‌عنوان بخشی از باکو چاپ شده است! و درباره عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای، با تحریف و جعلیات، ادعا می‌شود که ایران و روسیه برای تصاحب آذربایجان با یکدیگر جنگ کردند!: «تمامی خاک آذربایجان در شمال ارس در امپراتوری روسیه ادغام شد و خاک وطن ما در جنوب ارس به دست ایرانی‌ها افتاد [...] دولت و ملت آذربایجان با زور به دو قسمت تقسیم شد. [!؟] دو برادر یکی آن سوی ارس، دیگری این سوی ارس ماند» (صص: ۱۴۴-۱۴۶). همچنین در این کتاب ادعا می‌شود که ستارخان و شیخ محمد خیابانی [که برای مقابله با دزدی نام آذربایجان توسط باکو پیشنهاد تغییر نام آذربایجان ایران به آزادیستان را داده بود]، برای رهایی از ستم حکومت ایران و تشکیل حکومت آذربایجان [!؟] جنگ می‌کردند و شهریار هم در فراق آن سوی ارس شعر می‌سرود [!؟] صفویان و افشاریان، خواجه نصیر طوسی، بابک خرمدین و مفاخر ایرانی هم [باکویی] خوانده می‌شوند [!!!]. کوتاه سخن اینکه خواست فوری ملت ایران از دستگاه دیپلماتیک، این است: الزام بازنگری و اصلاح جعلیات ضدایرانی کتاب‌های درسی باکو.

* استادیار دانشگاه و پژوهشگر فرهنگی و ژئوپلیتیک